

انتقال کوشش می‌انهد →

نگاهی به حضور هنرمندان غیرسینمایی در سینما

غریبه‌ای در سینما

حضور چهره‌های غیرسینمایی در فیلم‌های ایرانی اتفاق تازهای نیست. شاید در طول تاریخ سینمای ما این حضور خیلی پررنگ نبوده ولی همین تعداد اندک در سینما ماندگار شده است.

اینکه فردی غیرسینمایی، شاعر یا نویسنده در فیلمی حضور داشته باشد به چند دلیل می‌تواند آن فیلم را برای مخاطبان جذاب کند.اولین نکته این است که نام آشنایی که تاکنون در کتاب‌ها بوده و اشعارش برای مردم خاطرمساز شده امروز جلوی دوربین می‌رود و تصویرش برای علاقمندان به نمایش درمی‌آید. از سوی دیگر لذت دیدن یک شاعر یا نویسنده در قالب هنرپیشگی و بازی فیلم همواره می‌تواند برای مخاطبان جالب باشد. در کنار این چهره‌ها افرادی که خود منتقد سینما و فضای آن هستند وقتی تحت شرایطی در فیلمی حضور پیدا می‌کنند به دلیل دیدگاه همیشگی آنها درباره سینما می‌تواند برای مخاطبان کنش خاصی داشته باشد. مخاطبی که همیشه قلم این افراد را خوانده و با نظرات او موافق یا مخالف بوده وقتی خود او را در سینما روی پرده نقره‌ای ببیند این سوال برایش ایجاد می‌شود که امروز چه کسی می‌تواند او را نقد کند؟ سال‌ها پیش زمانی که محمدعلی سپانلو یکی از شعرای شناخته‌شده ایرانی در یک فیلم سینیمایی بازی کرد کسی فکر نمی‌کرد این اتفاق دوباره برای او تکرار شود. او در فیلم تنگسیر، که بر اساس نوشته‌ای از صادق چوبک بود، بازی می‌کرد و درباره آثار او چنین می‌گوید: «در خیمه‌شهبازی، چوبک قوی‌ترین نقاشی‌ها را از دقایق و جزئیات موضوع عرضه کرده است. او واقعیت‌ها را، جدا از آرمان‌های اصلاحی، زیر ذره‌بین حساس نهاده و ده‌ها مرتبه درشت‌تر کرد.» نزدیک به ۳۰ سال پس از این فیلم محمدعلی سپانلو بار دیگر حضور خود را در فیلمی سینمایی نشان داد. او در فیلم رخساره به کارگردانی محمدهادی کریمی در نقش شاعری بیمار و سالخورده بازی می‌کرد. گرچه بازی شاعر در این فیلم خیلی مورد توجه منتقدان قرار نگرفت اما تجربه دیگری بود برای شاعری که سال‌ها پیش سینما را تجربه کرده بود. این روزها این تجربه برای دو شاعر دیگر ایران اتفاق می‌افتد؛ یکی از آنها به عنوان نویسنده و بازیگر و دیگری تنها بازیگر یک فیلم سینمایی خواهد بود. رسول یونان شاعر آذری‌بان که ترجمه‌های بسیار زیبایی از آثار ترکی دارد و محمد شمس‌لنگرودی از شاعران پیشکسوت ایرانی در یک فیلم کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.فیلمنامه این اثر را رسول یونان نوشته و خود نیز در آن بازی می‌کند و محمد شمس‌لنگرودی به عنوان یکی از هنرپیشه‌های این کار خواهد بود. قصه فیلم سینیمایی «فلانینگوی شماره ۱۳» ساخته حمیدرضا علیقلیان در یک تبعیدگاه اتفاق می‌افتد و قصه‌ای در همسایگی افسانه‌هاست. این فیلم در بیست‌وپنجمین دوره جشنواره توکیو شرکت می‌کند که از ۲۲اکتبر ۲۰۱۰ (۳۰مهر) آغاز به کار می‌کند. در این جشنواره ۱۲ فیلم به رقابت با یکدیگر می‌پردازند که اسامال تنها دو فیلم از این آثار به آسیا تعلق دارد. رسول یونان – شاعر و نویسنده – که خود در این فیلم بازی می‌کند، می‌گوید: این فیلم درباره انسان‌هایی است که از خود و زندگی‌های روزمره تبعید شده‌اند. آنها با هم در یک تبعیدگاه زندگی می‌کنند. سلیمان (با بازی رسول یونان) که گندم‌زاران را به آتش کشیده و متهم به قتل یک نفر است، افسانه‌ای می‌آفریند، او معتقد است فلانینگویی ریده است با متفاری خون‌آلود. این فلانینگو به جای ساحل، در دوردست‌ها زندگی می‌کند و نماد شکستن حصارهای تبعیدگاه است. شاید حضور شرما را نویسندگان در فیلم بتواند از حدودی برای مخاطب باورپذیر باشد اما دیدن یک چهره سیاسی پشت دوربین کارگردان سینما اتفاقی است که هر کسی به راحتی آن را درک نمی‌کند. چهره سیاسی که همواره در گیر حل مسائل مهمی در مملکت است چطور می‌تواند فرصتی نداشته باشد تا جلوی دوربین برود؟ این فیلم اگرچه داستانی عاطفی دارد، اما همه خرده‌داستان‌های عاطفی در بستر داستانی درباره آخرین روزهای پروژه بزرگ سد و نیروگاه کارون ۳ رخ می‌دهند. این پروژه یکی از پروژه‌های بزرگ صنعتی ایران است که کار مطالعاتی آن از سال ۱۳۳۷ شروع شد، اما در سال‌های بعد متوقف شد تا سال ۱۳۶۸ که کار از سر گرفته شد و در سال‌های پایانی دولت هشتم این سد نیز به بهره‌برداری رسید. فیلم «اگرس» به روزهای پایانی ساخته شدن سد می‌پردازد؛ روزهایی که بر کوشش‌ها افزوده می‌شود تا در زمان مقرر مراسم افتتاح برگزار شود و مراسم افتتاح با حضور رئیس‌جمهور وقت برگزار می‌شود و کار به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است که مراسم افتتاح سد، به صورت واقعی فیلمبرداری شده و بخشی از فیلم را شکل می‌دهد؛ بخشی که در آن هم رئیس‌جمهور وقت حضور دارد و هم بازیگر اصلی فیلم. در این فیلم بازیگرانی چون رضا کتانیان، مریلا زارعی، کیهان ملکی، رعنا آزادی‌ور و بابک حمیدیان حضور دارند و نوشتن فیلمنامه هم برعهده شادمهر راستین بوده است. گرچه حضور رئیس‌جمهور در این فیلم حضوری مستند و واقعی است و هیچ‌گونه بازی هنری در آن دیده نمی‌شود ولی باز هم دیدن چهره‌ای که در آن زمان رئیس دولت بوده در یک فیلم سینمایی اتفاق دارد و خاطره‌سازِ است. در این فیلم فضاهای تازه و بکری دیده می‌شود که مخاطب سینمای ایران تاکنون آنها را ندیده است. ساختن شهری درون کوه زاگرس چنان برای کارگردان جذاب بوده است که به‌رغم تلاشش برای ارائه فیلمی غیرسفرافشی و بدون شعار و تبلیغ، در مواردی عنان از کف داده و به تبلیغ مستقیم روی آورده است. با این همه نمی‌توان از این نکته غفلت کرد که زاگرس فیلم اساسی نیست و فیلم پرزحمتی است که نمونه‌های چندانی در تاریخ سینمای ایران ندارد. این فیلم تنها ارزش هنری ندارد و می‌تواند به عنوان تجربه‌ای در سینمای ایران تلقی شود.

واکنش پنجم

سیاستگذاران با سینما چه می‌کنند

اشتغال یک حق است یا امتیاز؟



سوالی که در ۱۷ فروردین سال ۸۸ خانه سینما به نمایندگی از اصناف و سینماگران از چهار نامزد ریاست‌جمهوری پرسیده شد این روزها شکل دیگری به خود گرفته است. در آن زمان هر چهار نامزد از کنار این سوال بی‌تفاوت گذشتند. سوال این بود «شتغال حق است یا امتیاز؟»

یک تحلیل ساده هم در این میان وجود داشت: حق اشتغال یعنی حق اینکه به هر کاری که فرد دوست دارد بپردازد جزء حقوقیشور و قانون اساسی ایران است. اما اگر نظر رئیس‌جمهور به عنوان مجری قانون اساسی این است که اشتغال یک حق است پس باید این حق را به نهادهای صنفی اعطا کند و اگر این یک امتیاز است پس باید تمام دست‌اندرکاران سینما برای کوچک‌ترین مسائل خود دست و دل‌شان بلرزد. این نکته در آن زمان و وقایع بعد از انتخابات فراموش شد.

اما بحث امنیت شغلی که قرار بود ۱۷ مرداد گردهمایی درباره آن برگزار شود جزء مفاد آن آیین‌نامه بوده است. در این آیین‌نامه نکته‌ای مورد توجه قرار گرفته بود که بحث اساسی تمام این سال‌ها برای سینما بوده است؛ بحث اعطای مجوز به فرد همان طور که در شغل‌ها و رشته‌های گوناگون صورت می‌گیرد. در تمام صنوبر این افراد هستند که مجوز دریافت می‌کنند، همه از پزشک تا داروخانه‌دار از صنف مجوز می‌گیرند. تمام تخلفات نیز از سوی مسوولان صنف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. درباره اتفاقی که برای اصغر فرهادی و کمال تبریزی افتاده است همه در یک تعلیق و ترس قرار گرفته‌اند. سرمایه‌ها مورد تهدید قرار گرفته‌اند. حتی کسانی که به دولت احساس نزدیکی می‌کنند این نگرانی را دارند که نتوانند فیلم خود را پس از شروع به پایان برسانند. این اتفاق سبب شده است حداقل ۴۰۰ میلیون تومان سرمایه دچار مشکل شود. در همه مشاغل به افراد مجوز داده می‌شود یعنی یک دکتر حق دارد جراحی کند. اما در حوزه سینما هر فیلم مجوز ساخت می‌گیرد و امکان ساخته شدن می‌یابد نه هنرمندی که قصد ساختن آن را دارد.

آیا آرزو جرم است؟

اما مسأله‌ای که در جشن خانه سینما رخ داد تنها آرزویی بود که اصغر فرهادی برای دوستانش کرد. آیا آرزو جرم است؟ آرزو تنها گفتاری است که بیان شده است. اگر توهین یا نسبت ناروا به کسی گفته شود این جرم را باید دادگاه مورد قضاوت قرار دهد. لوگو پروانه ساخت منجر به ساقط شدن هستی افراد می‌شود.

سینمای ایران

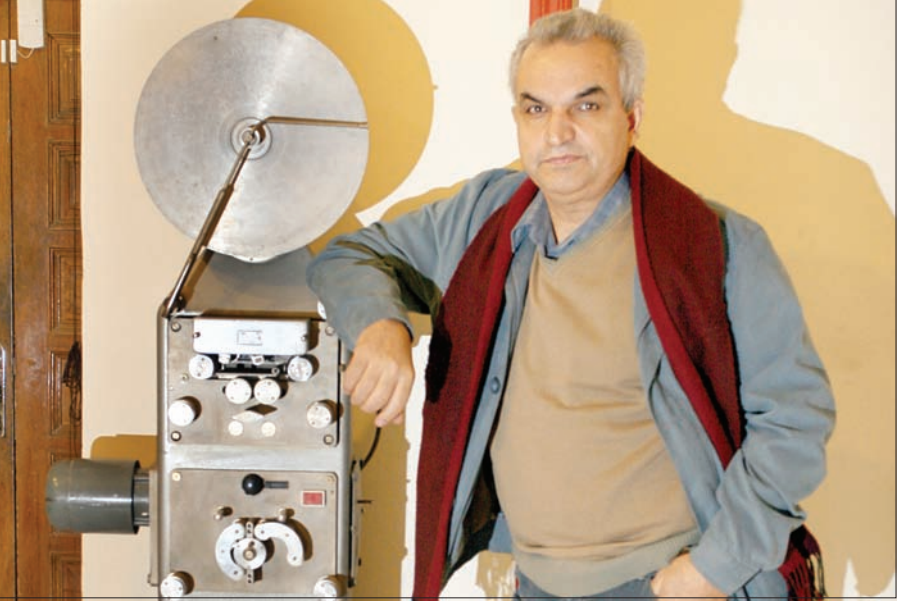
سال پنجم ■ شماره ۰۷۴۱ ■ چهارشنبه ۷مهر ۱۳۸۹

دِیگری هم به موضوع نگاه کرد. در میان فیلمسازان ایرانی کسانی هستند که تجربه ساخت فیلم در خارج از ایران را دارند. عده‌ای از آنها فیلمسازی در ایران را به دلایلی کنار گذاشته‌اند و فقط در غربت به ساخت فیلم مشغولند ولی کسانی هم هستند که به

مانلی فخریان: این روزها ساختن فیلم در خارج از کشور یکی از راه‌های متداول سینماگران شده است. وقتی کمال تبریزی برای جلوگیری از هر گونه سوءتفاهم خواست تا فیلمش در ارمنستان ساخته شود و مسوولان جلوی آن را گرفتند، می‌توان به شکل

ابوالحسن داوودی:

نظم و مسوولیت



– چطور شد که امکان ارتباط شما با شرکت‌های فیلمسازی خارجی فراهم شد؟

از طریق دفاتر فیلمسازی خارج از ایران با آنها آشنا شدم و توانستم با این آشنایی عولمل وایزرا تولید را پیدا کنم. برای فیلم زادیوم ما هیچ وسیله‌ای از ایران برای کار نبردیم و تمام آنها را از شرکتی که با آن قرارداد بستیم، گرفتیم. شرکت سینه‌گیت آلمان مثل بنیاد فرای‌ولی ۱۰ برابر بزرگ‌تر و کامل‌تر بود که همه وسایل را به ما می‌فروخت با اجاره می‌داد. این شرکت در همه جای آلمان شعبه دارد و ما در هامبورگ با آنها کار می‌کردیم. امکانات آنها بسیار بهتر از تهران بود و از نظر مسائل تهیه‌کنندگی و مالی هم بسیار پیشرفته و مقرون به صرفه بود. در حقیقت قیمت‌های اولیه‌ای که در لیست به ما داده بودند دو سه‌برابر ایران بود ولی با وجود شرایط خاص پرداخت هزینه‌ها در نهایت با کار در ایران برابر شد.

– این شرایط به چه شکل بود؟

شرایط قرارداد آنها با ایران و بنیاد فرای‌لی تفاوت دارد. وقتی در ایران فیلمی را شروع می‌کنیم یکسری ابزار و وسایل را می‌گیریم و بابت آن پول می‌دهیم که شاید در طول کار حتی یک بار هم استفاده نشود و تا زمان فیلم بعدی هم قابل استفاده نباشد. مثل یکسری فیلم‌ترا که مجبوریم بخریم ولی اصلا استفاده نمی‌شود. اینها به ضرر تهیه‌کننده خواهد بود ولی در آلمان این وسایل که در اختیار ما قرار می‌گرفت به اندازه‌ای که استفاده می‌شد بابت آنها پول پرداخت می‌کردیم. برای ابزار مصرفی و غیر مصرفی به مقدار مصرف حساب می‌کنند. زمانی که برای کار به آلمان رفتیم دو تا کامیون وسیله برای من از طرف شرکت آمد که فکر کردم هر چه دارم باید برای اینها هزینه کنم، اما بعد متوجه شدم به اندازه‌ای که آن محل استفاده سینما پول می‌دهیم. باقی مخارج دیگر هزینه‌هایی است که برای حمل و نقل و اقامت و این چیزها پرداخت می‌شود و هزینه‌های جانبی است ولی در اصل هزینه تولید محدود می‌شود.

– امکان کار کردن با شرکت‌های خارجی برای همه کارگردان‌ها فراهم می‌شود یا بستگی به سابقه افراد دارد؟

قطعاً همه از طریق اینترنت به راحتی می‌توانند با این شرکت‌ها ارتباط بگیرند ولی باز هم یک معرف یا پوشش قانونی داشتن می‌تواند مفید باشد. خیلی ارتباطی به شناخته‌شده بودن کارگردان ندارد. بستگی به شناخت افراد نسبت به قانون و شرایط مالیاتی آنها دارد. اگر کسی ضمانت شما را بکند و شما را معرفی کند طبیعتاً بهتر خواهد بود. آنها یکسری حساب و کتاب‌های دقیق مالیاتی دارند که باید بر اساس آنها کار کرد. حتی اگر بخواهید محصول را از کشور خارج کنید مثل همه خریدهای خارج از کشور مقداری از پول را به شماره‌ی بگرداند.

– فیلمسازی در خارج از کشور چه آزادی‌ها یا محدودیت‌هایی برای شما داشت؟

تجربه ساخت فیلم در هر جای دنیا به شکلی متفاوت است. حتی تجربه کار در دوبی با آلمان فرق می‌کرد. قبل از اینکه کار را هر شروع

نگاه

حاشیه‌های انتخاب بدرد بغداد برای اسکار

امری نادری را از نیمه دوم دهه ۷۰ و نیمه اول دهه ۸۰ که در معاونت سینمایی وزارت ارشاد مشغول به کار بودم می‌شناسم؛ جوانی نجیب و بی‌ادعا که همواره با یار همراهش توجرح اصالتی در راه‌روهای وزارت ارشاد از این‌سو به آن‌سو می‌رفتند و همین دید و بازدیدهای گاه و بی‌گاه و نفسی که در اتاق من تازه می‌کردند و آب و چای می‌نوشیدند رفاقتی را بین ما پدید آورده بود تا بیشتر با این دو عاشق سینما که در عرصه سینمای مستند و تجربی و فیلم کوتاه هم فعالیت داشتند آشنا شوم. این را گفتم تا باید باشد که نادری و اصالتی نورسیده‌ای سینما نیستند و القابی کارشان را به خوبی بلندن. این ارتباط به دلایلی قطع شد تا سال گذشته که در جشنواره فجر فیلم بدرد بغداد نادری به نمایش درآمده فیلمی که فیلمبرداری بدیع و جذاب‌آر و توجرح اصالتی را با خود به همره دارد و از داستانی جذاب و سوزهای بکر که اتفاقاً همسان با سلیقه، نگاه و خواست اعضای انتخاب آکادمی است همچوای دارد. داستان یک پوکسور آمریکایی که پس از شکست در یک مبارزه شرط‌بندی و برای فرار از مافیای هیچ جایی را بهتر و امن‌تر از ارتش نمی‌یابد حتی اگر به بغداد اعزام شود. اگرچه این فیلم در جشنواره سال گذشته مورد کم‌لطفی هیات داوران قرار گرفت که البته

امیر طبعی است چراکه دآوری همواره امری سلیقه‌ای محسوب می‌شود و پس اما خبر از تولد نسل جدیدی از سینماگران ایران را می‌داد. و انتخاب درستی که از بهترین‌های سینما در پشت دوربین صورت گرفته بود این نکته را اثبات می‌کرد که همه چیز در این فیلم سر جای خودش قرار دارد. از انتخاب نظام کیایی برای صدا تا

امیر طبعی است چراکه دآوری همواره امری سلیقه‌ای محسوب می‌شود و پس اما خبر از تولد نسل جدیدی از سینماگران ایران را می‌داد. و انتخاب درستی که از بهترین‌های سینما در پشت دوربین صورت گرفته بود این نکته را اثبات می‌کرد که همه چیز در این فیلم سر جای خودش قرار دارد. از انتخاب نظام کیایی برای صدا تا

خاطر موضوع فیلمنامه و داستان فیلم بخشی از کار خود را خارج از ایران می‌سازند. گرچه ساخت فیلم در خارج از ایران تضمینی برای اکران آنها نیست و برای این کار باید مراحل اداری خاصی طی شود ولی برای کارگردان‌های ایرانی همکاری با این شرکت‌ها

امیرشهاب رضویان:

استاندارد در فیلمسازی



یا برای شهروندان مزاحمت ایجاد نشود. ممیزی در نمایش به‌شکل ایران وجود ندارد و فیلم‌ها توسط شورا‌های مربوطه برای نمایش طبقه‌بندی سنی می‌شوند.

– رحت‌تر می‌تواند در آن کشورها اکران شود یا اینکه پروسه جداگانه‌ای دارد؟

بستگی به کشور و تهیه‌کننده دارد، اما به طور معمول در صورتی که یک فیلم در روند قانونی تولید فیلم در یک کشور ساخته شود، فیلم امکان اکران ساده‌تری دارد. به طور مثال در کانادا اگر شما فیلم‌تان در مسیر قانونی تولید شود و به عنوان یک فیلم کانادایی در سازه‌تان به نام «کلوکو» ثبت شود، از مزایای اکران و حتی الزام به خرید توسط شبکه‌های تلویزیونی بهره‌مند می‌شود.

– برخورد دست‌اندرکاران سینما در کشورهای خارجی با فیلمسازی ایرانی در آن کشور چگونه است؟

به طور معمول بستگی به برخورد خود فیلمساز دارد، اما با توجه به قانونمندی شرایط تولید و تعریف شدن روابط، برخورد‌ها کمتر سلیقه‌ای و بیشتر تابع قانون و محترمانه است. در پی تجربه‌های متعدد مردم در طول زمان و انتقال آن به قانونگذاران، قوانین موجود در غرب مرتباً تغییر کرده. به طور معمول برای هر حرکتی قوانین مشخصی وجود دارد که راه را بر بی‌نظمی و برخورد‌های فردی می‌بندد.

– به نظر تسان مهم‌ترین تفاوت فیلمسازی در ایران با آلمان یا کانادا چه بود؟

تفاوت اساسی آن در استاندارد بودن همه روابط سینمایی است. در آنجا همه چیز منظم است و رابطه گروه‌ها تعریف شده است. برنامه‌ریزی به تبع نظم‌پذیر بودن شرایط اجتماعی و خود آدم‌ها، عملی منطقی و ممکن است. کمپانی‌های اروپایی از امروز برای دو سال دیگر برنامه‌ریزی ساخت فیلم دارند و میزان متغیرهایی که برنامه تولید را تحت‌الشعاع قرار بدهد مثل ایران زیاد نیست. فرضاً در حال درگیر مرتله جذب سرمایه برای فیلم جدید «تورتو هدفمند کردن یارانه‌ها و حتی قیمت بنزین هستند که به شدت در سیستم حمل و نقل تولیدات سینمایی و هزینه‌های دیگر دخیل خواهد بود. به عبارت دیگر نظم‌پذیر بودن شرایط تولید فیلم در آنجا از نکات مهمی است که کار در خارج را ساده‌تر از ایران می‌کند.

– باز هم می‌خواهید کار جدیدی در خارج بسازید؟

آلان درگیر درگیر مرحله جذب سرمایه برای فیلم جدید «تورتو» ساعت هفت صبح» هستم، که در کانادا ساخته خواهد شد. دو بازیگر اصلی ایرانی هستند و بقیه خارجی‌اند. فیلم به زبان انگلیسی است و حدود پنج درصد آن به زبان فارسی خواهد بود. **– فیلمنامه را هم خودتان نوشتید؟**

فیلمنامه را مشترکاً با فرهاد آهی نوشته‌ایم و «لی بروکر» و «آنتیو سگال» به عنوان مشاور و مصحح فیلمنامه با ما همکاری داشته‌اند.



منتقدان به سیاست‌های معاونت سینمایی و به ویژه اداره کل نظارت و ارزشیابی می‌گشاید، سبب خواهد شد تا مهدی نادری نیز در جنبه برخی مناسبات نامناسب سینمای ایران گرفتار شود و بیشترین آسیب را متحمل شود.

گمان می‌کنم در وضعیت کنونی فارغ از دغدغه‌های حزبی و جناحی و این گونه مسائل باید زمینه یک وفاق ملی در سینمای ایران برای معرفی مناسب و آبرومندانه بدرد بغداد به عرصه‌های بین‌الملل فراهم شود و از معاونت سینمایی گرفته تا خانه سینما و بنیاد سینمایی فارابی و حتی مراکز خصوصی فعال در حوزه بین‌الملل سینمای ایران نسبت به اکران و پخش و معرفی گسترده این فیلم در کشورهای آمریکایی و اروپایی اقدام کنند و زمینه‌ای را فراهم کنند تا نادری و فیلمش از این آزمون سربلند و موفق بیرون آیند که اگر افتخاری به دست آید متعلق به تک‌تک مردم این سامان و سینماگران کشور است. فراموش نکنیم که به هر شکل و صورتی ایک بدردو بغداد نماینده رسمی جمهوری اسلامی ایران است و باید برای موفقیتش تلاش کنیم و دست به دعا برداریم.

منتقدان به سیاست‌های معاونت سینمایی و به ویژه اداره کل نظارت و ارزشیابی می‌گشاید، سبب خواهد شد تا مهدی نادری نیز در جنبه برخی مناسبات نامناسب سینمای ایران گرفتار شود و بیشترین آسیب را متحمل شود.

منتقدان به سیاست‌های معاونت سینمایی و به ویژه اداره کل نظارت و ارزشیابی می‌گشاید، سبب خواهد شد تا مهدی نادری نیز در جنبه برخی مناسبات نامناسب سینمای ایران گرفتار شود و بیشترین آسیب را متحمل شود.